

سنجش موازین کیفری حقوق هسته‌ای در اسناد بین‌المللی

پیمان نامامیان^۱

استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه اراک، اراک، ایران

ابراهیم آقامحمدی

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اراک، اراک، ایران

(تاریخ دریافت ۹۷/۲/۳ - تاریخ تصویب ۹۹/۸/۲۹)

چکیده

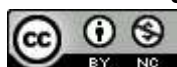
موازین کیفری حقوق هسته‌ای در چارچوب ساختار کیفری به عنوان گروهی از قواعد که در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی به کار بسته می‌شوند تا شیوه‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای یا رادیواکتیو را جرم‌انگاری کنند یا دولت‌ها ملزم به جرم‌انگاری آنها نمایند، و می‌توانند به استناد ماهیت فوق‌العاده خطرناک ذاتی انرژی هسته‌ای یا رادیواکتیو از سایر مقرره‌های مربوط به شیوه‌های مشابه متمایز شوند. سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که: آیا در نظام بین‌المللی کنونی حقوق کیفری هسته‌ای توسط کشور جرم‌انگاری شده‌اند و تا چه میزان موازین کیفری حقوق هسته‌ای در اسناد بین‌المللی بازتاب یافته‌است؟ این مقاله سعی بر آن دارد تا موازین کیفری حقوق هسته‌ای در سطوح بین‌المللی شامل کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای و قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد را تحت سنجش و ارزیابی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم هسته‌ای، حقوق بین‌الملل هسته‌ای، حقوق کیفری، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم هسته‌ای، قطعنامه‌های شورای امنیت.

Email: p-namamian@araku.ac.ir

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۹، صص. ۱۹۷ - ۲۲۷.



نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

تصویب کنوانسیون‌هایی هم‌چون «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای» در سال ۱۹۷۹ و به ویژه «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای» در سال ۲۰۰۵ از سوی جامعه بین‌المللی، نقطه عطفی در تحولات حقوقی نظام بین‌المللی بود که این تحولات حقوقی مؤید آشکار شدن موازین کیفری حقوق هسته‌ای است. بر این اساس، حقوق هسته‌ای در ابعاد کیفری به گروهی از قواعد الزام‌آور در سطوح ملی، منطقه‌ای^۱ و بین‌المللی اطلاق می‌گردد که ضمن جرم‌انگاری کلیه شیوه‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای یا مواد رادیواکتیو و حتی پرتوزا، دولت‌ها را ملزم به جرم‌انگاری آنها می‌نماید.

ماهیت فوق‌العاده خطرناک ذاتی انرژی هسته‌ای یا مواد رادیواکتیو و پرتوزا از سایر مقرره‌های مربوط به شیوه‌های مشابه متمایز می‌شوند. این در حالی است که اهمیت پذیرش قواعد رویه قضایی کیفری بین‌المللی در حقوق هسته‌ای قابل اغراق نیست و نباید موجودیت چنین مقرره‌هایی در کنوانسیون‌های مزبور به دست فراموشی سپرده شود. به عبارتی در ارزیابی موازین کیفری حقوق هسته‌ای موجود باید به خاطر داشت که استفاده نیروهای مسلح کشورها از گروه غیرنظامی سلاح‌های هسته‌ای (و به طور بالقوه دیگر سلاح‌های هسته‌ای نظیر بمب کثیف) به‌طور تقریبی در کلیه موارد موجب مسئولیت کیفری افراد مسئول تصمیم‌گیری در مورد استفاده از این سلاح‌ها می‌شود. دستاورد نظریه هشتم جولای ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری به همراه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و به طور قابل بحث، اصول حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت کیفری است که در چارچوب دادرسی‌های نورنبرگ قرار داشتند (Bersagel, 2014: 235-236).

بر پایه تعریف فوق، بررسی موازین کیفری حقوق هسته‌ای یک تصویر کامل از قواعد کیفری کاربردی برای کلیه موقعیت‌های مرتبط با مواد هسته‌ای یا رادیواکتیو را ارائه نمی‌کند. به عنوان مثال کسی که به طور عمد از مواد رادیواکتیو یا انرژی هسته‌ای برای

^۱ - تنها سازمان منطقه‌ای دارای اختیارات برای تحمیل تعهد جرم‌انگاری شیوه‌های خاص، اتحادیه اروپا (شامل جوامع اروپایی) است.

کشتن دیگران استفاده کند احتمالاً به چند نوع جرم عمومی متهم می شود که با قتل شروع می شوند و ذاتاً به تروریسم یا نسل کشی خاتمه پیدا می کنند (کوشا و نامبیا، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۱۶).

این مقاله ضمن شناسایی موازین کیفری مقرر در اسناد بین‌المللی، درصدد انطباق و سنجش موازین مزبور در نظام حقوق هسته‌ای است. از اینرو، نگارندگان در راستای نیل به اهداف مطروحه با مطالعه اسناد اصداریافته از سوی سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته در پی تأسیس نگرشی جدید در حوزه نظام بین‌المللی حقوق هسته‌ای هستند تا بر پایه آن امکان تعقیب و دادرسی کیفری اقدامات نقض امنیت هسته‌ای فراهم گردد. در ضمن، روش‌شناسی پژوهش یا مطالعه در این مقاله، از حیث اهداف، توسعه‌ای و از منظر جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی است.

سیاست‌گذاری‌های حقوقی و قانونی

نگرانی در خصوص تروریسم هسته‌ای حداقل از اواخر دهه هفتاد میلادی هنگامی که «لوئیس رنه برس» کتاب جامع خود در خصوص «تروریسم و امنیت جهانی: تهدید هسته‌ای» را منتشر نمود، مطرح بوده است (Beres, 1987). از آن زمان دو واقعه به آنچه که امروزه یک نگرانی جدی بین‌المللی است بسیار دامن زده: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ و انفجار مرکز تجارت جهانی در ۲۰۰۱ در کم‌تر از یک دهه قبل. واقعه نخست این احتمال را که پیشتر مطرح نبود، ایجاد کرد که ممکن است سلاح‌های هسته‌ای در اختیار بازیگران غیر دولتی قرار گیرد و واقعه دوم به طور دائمی این دیدگاه را که «تروریست‌ها از ایجاد تلفات بسیار، پرهیز می‌کنند»، تغییر داد.

البته سابقه طرح مسأله ضرورت پیش‌گیری از تروریسم هسته‌ای در عرصه بین‌المللی به سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد. در این تاریخ و سال‌های پس از آن یک سلسله وقایعی در گوشه و کنار جهان (هم‌چون تهدید فرمانده نظامی «سین کیانگ» چین به اشغال

و تخریب پایگاه هسته‌ای در پی وقوع اختلاف سیاسی با دولت مرکزی در سال ۱۹۶۷) رخ داد که در نتیجه آن ضرورت اتخاذ اقدامات بین‌المللی جهت مبارزه با تروریسم هسته‌ای در محافل بین‌المللی طرح گردید. از این‌رو، در پی حدوث چنین وقایعی، برخی از نهادهای بین‌المللی، از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ضرورت پیش‌گیری و مبارزه با تروریسم هسته‌ای را در دستور کار خود قرار داد و متعاقب آن یک سلسله مقررات و دستورالعمل‌هایی را تهیه و تدوین نمود.

قطعه‌نامه‌های ۵۳/۵۳ (۱۹۹۵) و ۶۰/۷۸ (۲۰۰۶) صادره از سوی مجمع عمومی و نیز قطعه‌نامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) شورای امنیت، مؤید نگرانی شدید جامعه جهانی از گسترش تروریسم و دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند. این نگرانی به گونه‌ای می‌باشد که دبیرکل وقت سازمان ملل متحد ضمن ایراد سخنرانی در اکتبر ۲۰۰۱، آخرین گزارش مورد اهتمام خویش را در سال ۲۰۰۵ راجع به اقدامات تروریسم هسته‌ای ارائه و آن را تهدیدی جدی علیه نظام بین‌المللی خوانده که در ادامه اقدامات مذکور را چالش آینده جامعه بین‌المللی عنوان نمود.

با وجود این، خاستگاه آن دغدغه‌های جامعه بین‌المللی راجع به گسترش سلاح‌های هسته‌ای و استفاده احتمالی از کلیه شیوه‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای یا مواد رادیواکتیو و پرتوزا از سوی عوامل غیردولتی برای اهداف غیرصلح‌آمیز است. از این‌رو قابل درک است که اولین معاهده در بردارنده قواعد حقوق کیفری هسته‌ای «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای» به تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ می‌باشد که هدف کلی آن پیشگیری از عوامل غیردولتی از استحصال غیرقانونی مواد هسته‌ای است.

در پرتو اهمیت روزافزون حفاظت از مواد و تاسیسات هسته‌ای و نیز همکاری و مشارکت دولتها در این رابطه، موجب گردید تا مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ژوئن ۱۹۷۷ سندی را تحت عنوان «حفاظت فیزیکی از مواد، تأسیسات و حمل و نقل هسته‌ای» که از سوی آمریکا تهیه شده بود برای بررسی و اظهارنظر دولتهای عضو ارسال نماید (عسگرخانی و نمایان، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵). از این‌رو، پس از ارائه و بررسی اظهارات

دولتهای عضو، در وین از تاریخ ۳۱ اکتبر تا ۱۰ نوامبر ۱۹۷۷ پیش‌نویس این کنوانسیون مورد بررسی قرار گیرد. به هر حال به دنبال دو سال مذاکره نمایندگان ۴۵ دولت و جامعه اروپایی انرژی اتمی متن کنوانسیون در ۳ مارس ۱۹۸۰ به تصویب رسید و در ۸ فوریه ۱۹۸۷ لازم الاجرا گردید.^۱ این کنوانسیون اولین سندی است که در خصوص اقدامات ضد تروریسم هسته‌ای به تصویب رسیده و هدف اصلی آن، اعمال مقررات مندرج درباره مواد هسته‌ای مورد استفاده برای مقاصد صلح‌آمیز در حین حمل و نقل بین‌المللی یا استفاده، نگهداری و حمل و نقل داخلی آن می‌باشد (ر.ک: غنی کله‌لو، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۱). بر این اساس کنوانسیون سازوکار اجرایی و ابزارهای حقوقی را نیز وضع نموده است. از اینرو به موجب ماده ۷، ارتکاب عمدی رفتارهایی نظیر «ارتکاب عمدی دریافت، تملک، استفاده، انتقال، تغییر، در اختیار گذاشتن یا انتشار مواد هسته‌ای منجر به مرگ یا جراحات شدید یا اشخاص یا خسارات عمده به اموال»، «سرقت یا ربودن مواد هسته‌ای»، «اخاذی یا تحصیل متقلبانه مواد هسته‌ای»^۲، «تهدید یا توسل به زور و یا دیگر روش‌های ارعاب‌سازی در مطالبه مواد هسته‌ای» و غیره جرم‌انگاری و به‌عنوان اقدام تروریستی قلمداد شده است.

وفق مفاد مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۰، پایه‌های اصلی استفاده از ابزارهای حقوقی و چگونگی صلاحیت دولتها را که در ماده ۸ مشخص شده است، اعمال اصل استرداد یا محاکمه است که در ماده ۱۰ به آن پرداخته و تصریح شده است (معظمی و نامامیان، ۱۳۹۳: ۸۳-۱۸۱). همچنین این کنوانسیون متضمن شماری از مقررات درباره حمایت و ایمنی حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای، هماهنگی برای استرداد آن مواد و عملیات تهاجمی

1. Convention on the Physical Protection of Nuclear Material, Signed at Vienna on 3 March 1980; entered into force on 8 February 1987; 116 parties.

آلزام به‌ذکر است که تهدید هسته‌ای به‌منظور کسب منافع مالی و یا اجرایی نمودن سایر مطالبه‌های تهدیدکننده به‌عنوان «اخاذی هسته‌ای» تعبیر می‌شود. در واقع، موضوع تهدید، استعمال قدرت مخرب انرژی هسته‌ای است. از اینرو، تهدید به انتشار مواد رادیواکتیو نظیر پسماند هسته‌ای، تهدید به استعمال از سلاح هسته‌ای را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد (مشکات و عسگرخانی، ۱۳۹۸: ۶).

در صورت برداشت، استفاده یا تغییر غیرمجاز مواد هسته‌ای یا در صورت بروز تهدید جدی به این موضوع می‌باشد (Bowen, 2008: 8-49).

شیوه‌های فوق‌الذکر باید در یکصد و بیست و هفت دولتی که کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای را صحت‌گذاری کرده اند^۱ جرم قابل مجازات اعلام شوند و احراز شود هر دولت عضو جرائم توصیف شده در این ماده را با مجازات‌های در خور که ماهیت فاحش جرم را مدنظر قرار دهند، قابل مجازات اعلام خواهد کرد (ماده (۷۲)).

بر اساس این کنوانسیون، پایه‌های اصلی استفاده از ابزارهای حقوقی و چگونگی صلاحیت دولتها را که در ماده ۸ مشخص شده است، اعمال اصل استرداد یا محاکمه است که در ماده ۱۰ به آن پرداخته و تصریح شده است. همچنین این کنوانسیون متضمن شماری از مقررات درباره حمایت و ایمنی حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای، هماهنگی برای بازپس‌گیری آن مواد و عملیات تهاجمی در صورت برداشت، استفاده یا تغییر غیرمجاز مواد هسته‌ای یا در صورت بروز تهدید جدی به این موضوع می‌باشد (یوسفی و محسنی، ۱۳۹۶: ۲-۴).

بنابراین به رغم تصویب کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای در سوم مارس سال ۱۹۸۰ در وین، مذاکراتی در خصوص اصلاح و گسترش دامنه شمول کنوانسیون و همچنین تقویت و ارتقای مفاد آن در سال ۲۰۰۵ طی نشست‌های در شهر وین برگزار گردید. در خصوص فرایند اصلاح کنوانسیون مزبور اشاره می‌گردد که به دلیل دامنه شمول نسبتاً محدود آن، پیشنهاداتی جهت اصلاح کنوانسیون و گسترش دامنه شمول آن ارائه گردید و همچنین توصیه شد تعهدات بیشتری برای دولت‌ها، جهت ارتقای تدابیر حفاظت فیزیکی از تأسیسات و مواد هسته‌ای در کنوانسیون مقرر شود.

بر این اساس در سال ۱۹۹۹، فرایندی برای انجام اصلاحات احتمالی در کنوانسیون با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز شد. گروهی از متخصصان در نشست‌های متعدد

^۱ - کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای توسط بیشتر کشورهای صحت‌گذاری شده که با این نظام بیشترین ارتباط را دارند اما هنوز به موفقیت رقمی سایر معاهدات نرسیده است.

و گوناگون، در خصوص مانحن‌فیه تبادل نظر کردند که یکی از دستاوردهای آن ایجاد مجموعه‌ای از اهداف و اصول بنیادین حفاظت فیزیکی بود. دوازده اصل بنیادین توسط شورای حکام، در سال ۲۰۰۱ مورد تأیید واقع شد و به دولت‌های عضو توصیه گردید تا آنها را در مقررات داخلی خود اعمال کنند.

در ژوئن ۲۰۰۵، نشست‌های جهت اصلاحات در کنوانسیون، در وین تشکیل شد و با تصویب اصلاحیه، کنوانسیون به طرز وسیعی تقویت شد. از اینرو، حوزه‌هایی که تحت پوشش اصلاحیه مذکور قرار گرفته‌اند، شامل موارد ذیل است:

۱. گسترش چارچوب دامنه شمول کنوانسیون اصلاحی، به منظور تحت پوشش قرار دادن مواد هسته‌ای مورد استفاده، ذخیره شده و یا در حال حمل و نقل داخلی؛
۲. حفاظت از مواد و تأسیسات هسته‌ای در مقابل اقدامات خرابکارانه؛
۳. تعریف جرایم جدید برای قاچاق و یا فعالیت‌های گروهی خاص؛
۴. تأکید بر مسئولیت داخلی دولت‌ها برای حفاظت فیزیکی؛
۵. تلفیق اهداف و اصول بنیادین حفاظت فیزیکی در قوانین داخلی؛
۶. اضافه نمودن تعاریف و اطلاعات مرتبط؛
۷. توسعه چارچوب دامنه شمول اقدامات قابل مجازات.

بنابراین اصلاحات تقریر یافته در کنوانسیون مشمول دوازده اصل اساسی حفاظت فیزیکی بوده و از سوی کشورهای عضو باید به گونه‌ای منطقی و عملیاتی به کار گرفته شوند. این اصول شامل «مسئولیت هر کشور»، «مسئولیت‌ها در طول حمل و نقل بین‌المللی»، «چارچوب قانونی و حقوقی»، «سازمان ذی‌صلاح»، «مسئولیت دارنده مجوز»، «فرهنگ امنیت»، «بررسی تهدید»، «رویکرد درجه‌بندی شده»، «دفاع عمیق»، «تضمین کیفیت»، «طرح‌های مرتبط با حوادث غیرمترقبه جهت واکنش دهی اضطراری» و «محرمانه بودن» می‌باشند.

کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای تنها سند موجود حقوق هسته‌ای محدود به حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای بوده که برای اهداف صلح آمیز به کار می‌روند.^۱ از اینرو مواد هسته‌ای دارای منشأ نظامی درون سایت‌های نگهداری در کشورهایی که می‌توانند هدف اقدامات تروریستی قرار گیرند را در بر نمی‌گیرد، مضافاً اینکه کنوانسیون ۱۹۸۰ هم‌چنین تمایزی میان اقدامات تروریسم هسته‌ای و دیگر اعمال مجرمانه قائل نمی‌شود.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۳ آوریل سال ۲۰۰۵ «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای» را پذیرفت. این کنوانسیون چارچوب عمل حقوق کیفری هسته‌ای را به گونه‌ای برجسته وسعت بخشیده است هر چند هدف اولیه پیشگیری از اقدامات و گونه‌های فراوان تروریسم هسته‌ای است، اما چارچوب مقررهای کیفری آن به طور کلی به این دیدگاه محدود نمی‌شود. از طرف دیگر این چارچوب عمل محدود به موقعیت‌هایی است که حداقل دو نظام حقوقی در معرض خطر باشند (ماده ۳) و فعالیت نیروهای مسلح در طول جنگ حذف شده باشد (ماده (۲)۴). مواد ۲ و ۵ کنوانسیون تروریسم هسته‌ای این تعهد را بر دولتهای عضو اعمال کرده‌اند که اعمال مجرمانه را به عنوان جرایم کیفری مقرر نمایند که با مجازات‌هایی که ماهیت فاحش آنها را در نظر می‌گیرند قابل مجازات باشند.

این کنوانسیون چارچوب حقوقی بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات تروریستی را گسترش می‌دهد. در این راستا، این معاهده بستر حقوقی لازم برای همکاری بین‌المللی با هدف جلوگیری تروریست‌ها از کسب و تحصیل سلاح‌های کشتار جمعی که انفجار آن می‌تواند عواقب فجیعی در یک جامعه ایجاد کند را فراهم می‌کند. کنوانسیون مقابله با تروریسم هسته‌ای اقدامات تروریسم هسته‌ای را به‌طور کلی تعریف می‌کند و طیف وسیعی

^۱ حقوق هسته‌ای عبارت است از: «مجموعه‌ای از هنجارهای خاص حقوقی که جهت قاعده‌مندسازی عملکرد اشخاص حقیقی و حقوقی دست‌اندرکار در فعالیت‌های مرتبط با مواد شکافت‌پذیر، تشعشع یونیزه‌کننده و قرارگیری در معرض منابع طبیعی تشعشع ایجاد شده‌اند.» (کارلتون و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۵).

از اهداف مورد توجه شامل نیروگاه‌های هسته‌ای و راکتورهای هسته‌ای را برمی‌شمارد. این معاهده دارا شدن، استفاده یا تهدید به استفاده از وسایل رادیواکتیو از سوی عوامل غیردولتی، همدستان و سازمان‌دهندگان آنها در صورتی که هدف از این امر مرگ آسیب جدی بدنی یا خسارت مالی و زیست محیطی باشد را جرم‌انگاری می‌کند. دولت‌های متعاهد ملزم به اتخاذ تدابیری هستند که آشکارا مقرر کنند اعمالی که هدف از آنها ایجاد هراس هسته‌ای باشد تحت هیچ شرایطی از جمله ملاحظات سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی یا دیگر ملاحظات مشابه قابل توجیه نیستند.

به عبارت دیگر دولت‌ها ملزم به جرم‌انگاری اقدامات تروریسم هسته‌ای همان‌گونه که در کنوانسیون مقابله با تروریسم هسته‌ای تعریف گردیده و اصلاح قوانین کیفری داخلی خود جهت دستگیری، پیگرد قانونی و مجازات اشخاصی هستند که آنها را نقض می‌کنند. این معاهده تبادل بیشتر اطلاعات و همکاری گسترده‌تر بین دولت‌ها در تعقیب تروریست‌های مظنون را تشویق می‌کند. در حالی که به هیچ شکل خاصی از مجازات در کنوانسیون به‌طور روشن اشاره شده اما اقدامات تنبیهی می‌بایست متناسب با شدت نقض باشد (معظمی و نامامیان، ۱۳۹۳: ۲۷۹-۲۷۵).

کنوانسیون دولت‌ها را به همکاری در پیشگیری از حملات تروریستی با تسهیم اطلاعات و کمک به یکدیگر در پیگیری تحقیقات کیفری و اقدامات استرداد مجرمین تشویق می‌کند. این کنوانسیون همچنین ایجاب می‌کند که هرگونه ماده هسته‌ای یا رادیولوژیک ضبط شده مطابق با استانداردهای حفاظتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محافظت شود و ترتیبی اتخاذ شود که چنین رویه‌هایی مطابق با استانداردهای بهداشت و ایمنی و حفاظت فیزیکی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد. به همین ترتیب استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای در این معاهده محفوظ می‌ماند. کنوانسیون مقابله با تروریسم هسته‌ای توسعه و به‌کارگیری انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را حق همه کشورها می‌داند. این حق، البته مبتنی بر آن است که توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز همان‌گونه که از سوی شورای امنیت

در قطعنامه ۱۵۴۰ تأکید گردیده به‌عنوان پوششی برای تکثیر هسته‌ای مورد استفاده قرار نگیرد.

اگرچه این کنوانسیون از حیث محتوایی شباهت بسیاری به کنوانسیون ۱۹۸۰ دارد، اما آنچه که از ابتدای فعالیت‌های مقدماتی و در خلال مذاکرات بر آن تأکید شد، این بود که هدف مذاکره‌کنندگان، توافق راجع به سندی است که بتواند خلاءهای کنوانسیون ۱۹۸۰ را در ارتباط با محدوده شمول و اقدامات اجرایی مرتفع کند، فارغ از اینکه ممکن است در ویرایش اصلاحی کنوانسیون مزبور این نکات مورد توجه قرار گیرند. هدف آن بود که سندی تدوین شود تا حد امکان از کنوانسیون ۱۹۸۰ متفاوت باشد؛ چرا که اسناد بین‌المللی دیگری که مستقیم یا غیرمستقیم به موجب صلاحیت‌های مجمع عمومی یا شورای امنیت تدوین شده و به عنوان متون نمونه، پیکره کنوانسیون‌های ضدتروریسم را تشکیل می‌دهند،^۱ به «حقوق بین‌الملل هسته‌ای» ارتباطی نداشتند. مضافاً اینکه در رابطه با محتوای کنوانسیون، هیچ متن «حقوق نرم»^۲، قواعد از پیش موجود، مقررات یا استاندارد فنی قبلی که راهنمای مذاکره‌کنندگان باشد وجود نداشت که بر خلاف کنوانسیون‌های قبلی در زمینه‌های امنیت و ایمنی هسته‌ای تحت نظارت آژانس و به ویژه کنوانسیون ۱۹۸۰ منعقد شده و از ۱۹۷۵ به بعد تحت شماره ۲۲۲۵ اصلاحی منتشر شده است (Stoiber, 2009: 145-146). بنابراین داده‌های فنی و نظریات حقوقی که در اختیار مذاکره‌کنندگان عضو کمیته خاص مجمع عمومی قرار گرفت، تنها چند صفحه تعاریف و توضیحاتی بود که توسط دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نقطه نظرات مقدماتی اش ارائه شده بود.

فرا‌تر از این استدلال‌های کلی، اختیارات کمیته خاص، هم‌چنان که رئیس آن در پایان کار خاطر نشان ساخت، تدوین یک سند حقوقی، کیفی زمانی بود که همکاری‌های

1. Previously cited document A/60/37 paragraph 33, page 32.

2. Soft Law

۳. سند ۲۲۵ از حیث حقوقی ماهیت الزام‌آوری ندارد و حاوی مقررات توصیه‌ای در زمینه حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و تأسیسات هسته‌ای می‌باشد. سند مذکور توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۷۵ تدوین و تصویب گردید که رعایت مفاد آن توسط دولت‌های عضو توصیه شده است.

انتظامی و قضایی را در مسائل مربوط به استرداد و معاضدت حقوقی متقابل تسهیل کند و اضافه کرد که این کمیته خاص باید متنی را تدوین کند که الزامات حقوق کیفری را در برداشته باشد یعنی دقت حقوقی، اطمینان و ایراد اتهام برای رفتار مجرمانه.^۱ شیوه‌های همکاری بین‌المللی مقرر در کنوانسیون (که اولویت در آن ضرورتاً در زمره سازوکارهای امنیتی، ملی و قانونی است)، فصل جدیدی در حقوق هسته‌ای نیست، از آن رو که مرحله جدیدی از تحول و تکامل حقوق بین‌الملل کیفری که دولت‌ها را به صورت انفرادی یا جمعی قادر سازد مؤثر بودن تدابیر ضدتروریستی را بهبود بخشند، محسوب نمی‌شود (Anderson, 2009: 286)؛ چرا که تمرکز این سند بر اعمال مجرمانه، جرایم و برخورد دولتهای عضو با آنهاست، زیرا که کنوانسیون یک سند اجرایی است.^۲ این بدان معناست که مقامات امنیتی مسئول در امور هسته‌ای داخلی بدواً به مداخله فراخوانده نمی‌شوند.

در عین حال، مسأله‌ای که باقی می‌ماند این که حوزه فعالیت‌های مورد نظر در رابطه با مواد رادیواکتیو و تأسیسات هسته‌ای که کنوانسیون تنها بر آن تمرکز می‌کند در هر مکان و با هر کاربردی، در مفهوم گسترده، کاربردهای نظامی و غیر نظامی را نیز دربر می‌گیرد. این بدان معناست که ضرورت همکاری نزدیک دولت‌ها با یکدیگر در مرزهای مختلف حقوق هسته‌ای اجتناب ناپذیر است (Sousa Ferro, 2008: 123-127).

هر دو کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای و کنوانسیون تروریسم هسته‌ای یک چارچوب قابل توجه را برای معیارهای اجرای ملی منظور کرده‌اند.^۳ این دستاورد محال بودن تقریبی نیل به توافق بر سر مجازات‌های دقیق کاربردی برای هر جرم (با توجه به

1. Previously cited document A/ 60/37 paragraph 32, page 32.

2. previously cited document A/59/37 Summary by the Co-ordinator , page 14.

۳- جالب اینکه ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای که یک محدودیت جدید را به حاشیه صلاحیت کشورهای عضو در این زمینه افزوده است به این مضمون که «جرائم مقرر در کنوانسیون تحت هیچ شرایطی بر اساس ملاحظات سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی و یا با هر ماهیت مشابه دیگر موجه نخواهند شد.»

اختلاف بین نظام حقوق کیفری دولت‌های عضو) و حدود تحمیل شده بر اساس این ایده است که حقوق کیفری دقیقاً به حق حاکمیت هر دولت مربوط می‌شود و دلیل آن اینکه مداخلات بین‌المللی باید در حداقل حفظ شوند و بر اساس پذیرش مورد به مورد و ارادی هر دولت مشروعیت پیدا کنند (Ibid, 122-125).

تکامل شناخت اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد می‌باشد. از اینرو، اهمیتی ندارد که در چه مدت زمانی و با چه رویکردی محرز باشد؛ چرا که در هیچ‌جا فصل هفتم حتی یک اشاره مبهم به اختیار شورای امنیت جهت التزام دولت‌های عضو به پیش‌نگری مجازات‌های کیفری برای رفتارهای خاص افراد که (به عنوان نمونه، تروریست‌ها) صلح جهانی را تهدید کنند، قابل ملاحظه نیست. در واقع پیش‌نویس فصل هفتم با این دید تنظیم شده است که تهدیدات صلح جهانی از سوی عاملان دولتی اعمال می‌شوند و هدف آن بخشیدن صلاحیت فرمان اعمال زور و تحمیل مجازات‌های اجباری در واکنش به تهدیدات، به شورای امنیت بود.

بنابراین قابل درک خواهد بود که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت به کلیه دولت‌ها فرمان داد تأمین مالی، برنامه ریزی، حمایت، آمایش یا ارتکاب اقدامات تروریستی را جرم‌انگاری کنند (قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، بندهای ۱ «ب» و ۲ «ه»). مبنای حقوقی چنین تحمیلی از سوی شورای امنیت این بود که تروریسم بین‌المللی بر طبق قطعنامه، به استناد فصل هفتم منشور ملل متحد تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود.

ظرف کمتر از سه سال بعد این تفسیر جدید در پذیرش قطعنامه (۲۰۰۴) ۱۵۴۰ بیست و هشتم آوریل سال ۲۰۰۴ به کار گرفته شد. شورای امنیت در دومین بند کاربردی این قطعنامه تصریح کرد: «کلیه دولت‌ها بر حسب رویه قضایی کشورشان قوانین قابل اجرای مناسب را خواهند پذیرفت و به اجرا در خواهند آورد، این قوانین نافذ هر عامل غیر دولتی را از ساخت، استحصال، در اختیار داشتن، طراحی، حمل، انتقال یا استفاده از سلاح هسته‌ای،

شیمیایی یا بیولوژیکی و وسیله پرتاب آنها^۱ به‌ویژه برای اهداف تروریستی و همین طور اقدام به شرکت در هر یک از فعالیت‌های مذکور، مشارکت در آنها به عنوان شریک جرم، معاونت یا تأمین مالی آنها منع می‌کند.»

با وجود این، شورای امنیت تا حد قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) پیش نرفته که به طور اکید مجازات‌های کیفی را الزامی کند، بلکه صرفاً به قوانین قابل اجرا که از این اعمال ممانعت می‌کنند اشاره کرده است. نیازی به گفتن نیست که ممنوعیت یک فعالیت به معنای همان جرم انگاری آن یا به مضمون پیش‌بینی مجازات برای آن نمی‌باشد، اما به نظر می‌رسد این استدلال به ذهن متبادر شود که حسن‌نیت در اجرای تعهدات بین‌المللی (ماده ۲۶ از کنوانسیون ۱۹۶۹ وین) به طور نافذ هیچ گزینه‌ای را به استثنای تقریر مجازات کیفی برای این اعمال بجا نمی‌گذارد؛ چرا که تنها جرم انگاری به این هدف نائل می‌آید و در مورد چارچوب قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) تصدیق می‌کند.

با این همه، وجود نگرانی‌های فزاینده در صحنه بین‌المللی از حیث سهولت کسب و تحصیل سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین به جهت عدم ارائه گزارش ملی برخی دولت‌ها به کمیته ۱۵۴۰ وفق بند ششم قطعنامه ۱۶۷۳، شورای امنیت در سال ۲۰۰۸، با تأکید بر قطعنامه‌های ۱۵۴۰ و ۱۶۷۳ خود و نیز با توجه به تعهدات دولتهای عضو در اجرای مفاد قطعنامه‌های مزبور، قطعنامه ۲۱۸۱۰ را صادر نمود. این قطعنامه ضمن تأکید بر تصمیمات مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ و ارائه گزارش‌های ملی از سوی دولتهای عضو به کمیته ۱۵۴۰، مجدداً کلیه دولت‌ها را به ارائه چنین گزارش‌هایی ترغیب و تشویق نموده است. به‌علاوه، به همت شورای امنیت نشست ششصد و نوزدهم تحت عنوان «عدم گسترش و خلع سلاح هسته‌ای» با حضور سران دولت‌ها در ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۹ برگزار شد. این نخستین نشست ویژه سران شورای امنیت درباره موضوع عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع

^۱ - وسیله تحویل در این قطعنامه به عنوان موشک، راکت، و سایر سیستم‌های بدون سرنشین و قادر به تحویل سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیک که به ویژه برای چنین استفاده‌ای طراحی شده‌اند، تعریف شده است.

سلاح هسته‌ای و پنجمین نشست سران در تاریخ شورای امنیت می‌باشد. یکی از دستاوردهای مهم این نشست، تصویب قطعنامه ۱۸۸۷ در سال ۲۰۰۹ بود که بر این اساس از دولت‌ها درخواست شد به عدم گسترش و خلع سلاح هسته‌ای و فراهم ساختن زمینه برای عاری ساختن همه جانبه جهان از این سلاح‌ها کمک کنند. این قطعنامه با تأکید مجدد بر تهدیدات ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و ابزار استفاده از آنها علیه صلح و امنیت جهانی، ضمن تأکید مجدد بر قطعنامه‌های ۸۲۵، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۷۱۸، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۸۷۴، با ابراز نگرانی شدید راجع به خطر اقدامات تروریسم هسته‌ای و پذیرش ضرورت اقدام‌های مؤثر و عملی از سوی کلیه دولت‌ها برای پیشگیری از قرارگرفتن مواد یا کمک‌های فنی هسته‌ای در دسترس تروریست‌ها و نیز با حمایت از کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای صادر گردید (Bernstein, 2008: 13-14).

شورا طی نشست ۶۵۱۸ در بیستام آوریل ۲۰۱۱ قطعنامه ۱۹۷۷ را پیرامون عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مصوب نمود. شورا با صدور این قطعنامه ضمن تأکید بر پیشگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک، ضرورت عدم ممانعت از همکاری بین‌المللی را انتقال مواد، تجهیزات و فناوری برای اهداف صلح‌آمیز را مورد توجه قرار داده و اذعان به عدم سوءاستفاده از اهداف صلح‌آمیز می‌نماید.

شورا در اجلاس ۷۴۵۸ خود در نهم ژوئن ۲۰۱۵ قطعنامه ۲۲۲۴ را با تأکید بر قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۸۸۷ (۲۰۰۹)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰)، ۱۹۸۴ (۲۰۱۱)، ۲۰۴۹ (۲۰۱۲)، ۲۱۰۵ (۲۰۱۳) و ۲۱۵۹ (۲۰۱۴)، بیانیه ریاست شورا در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ و تائید مجدد مقرره‌های آنها با تشخیص اینکه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل پرتاب آنها کماکان تهدیدی برای

¹. S.C.Res/1887/2009.

². United Nations, Security Council, S/RES/1977 (2011), 6518th Meeting, on 20 April 2011.

³. S.C.Res/2224/2015.

صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود، با اقدام بر اساس ماده ۴۱ مقرر در فصل هفتم منشور ملل متحد تدابیری همچون همکاری در چارچوب اسناد و مقررات بین‌المللی و گزارش‌های کمیته و هیأت کارشناسی و نیز اجرای مؤلفه‌های مقرر در قطعنامه ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ را اتخاذ نمود.

افزون بر این، شورا در اجلاس ۷۸۳۷ خود در پانزدهم دسامبر ۲۰۱۶، قطعنامه ۱۲۳۲۵ با تأیید مجدد قطعنامه‌های ۱۵۴۰ (۲۰۰۴)، ۱۶۷۳ (۲۰۰۶)، ۱۸۱۰ (۲۰۰۸)، ۱۹۷۷ (۲۰۱۱)، ۲۰۵۵ (۲۰۱۲)، ضمن تأیید تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک در حال حاضر، با تأیید مجدد نظر خود دائر به این که هیچ یک از الزامات مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ در تعارض با حقوق و تکالیف دولت‌های عضو معاهده عدم گسترش هسته‌ای، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک و سموم و حتی مسئولیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی نخواهد بود.

جایگاه موازین کیفی در حقوق هسته‌ای؛ افق و چشم‌انداز

رویکرد موجود در موازین کیفی حقوق هسته‌ای در سه مؤلفه اصلی قابل ملاحظه است: الف- محدودیت واکنش به نگرانی‌های راجع به گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کاربرد بالقوه آنها از سوی عاملان غیردولتی، ب- عدم وجود یک دیدگاه جامع در خصوص تلاش تدریجی مبتنی بر دیدگاه‌های متنوع در ادوار گوناگون، ج- رسیدگی و پیگیری اغلب از طریق کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی.

از زمان وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یک‌سری اقدامات از سوی دولت‌ها برای برخورد با تهدید هسته‌ای از سال ۲۰۰۳ الی سال ۲۰۰۶ صورت پذیرفته که شامل موارد ذیل می‌باشند (نامامیان، ۱۳۹۸: ۶۲):

⁶ S.C.Res/2325/2016.

- ۱- تدوین برنامه فعالیت‌های آژانس برای محافظت در برابر تروریسم هسته‌ای؛
 - ۲- ایجاد یک مشارکت جهانی علیه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (۲۰۰۳)؛
 - ۳- وضع ابتکار امنیتی گسترده به رهبری ایالات متحده برای مقابله با حمل سلاح‌های کشتار جمعی و مقابله با تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی (۲۰۰۳)؛
 - ۴- اتخاذ قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت که اعضای ملل متحد را به تصویب مقررات قانونی برای پیش‌گیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به بازیگران غیردولتی مکلف می‌نماید (۲۰۰۴)؛
 - ۵- اصلاح کنوانسیون ۱۹۸۰ راجع به حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای که تأسیسات هسته‌ای غیر نظامی مقرر می‌دارد (۲۰۰۵)؛
 - ۶- ایجاد کمیته مشورتی آژانس راجع به پادمان‌ها و راستی‌آزمایی جهت یافتن راهبردهایی برای بهبود پادمان‌ها جهت نظارت و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۲۰۰۵)؛
 - ۷- ایجاد ابتکار همکاری هسته‌ای بین ایالات متحده و روسیه برای گسترش تلاش‌های دو جانبه در خصوص بهبود امنیت هسته‌ای (۲۰۰۵)؛
 - ۸- وضع ابتکار جهانی روسی-آمریکایی برای مقابله با اقدامات تروریسم هسته‌ای (۲۰۰۶).
این فعالیت‌های متنوع دوجانبه و چندجانبه در کنار یکدیگر، شبکه‌ای از پیش‌گیری برای برخورد با تهدید تروریسم هسته‌ای را شکل می‌دهند. در عین حال اسناد و ابتکاراتی که این شبکه را تشکیل می‌دهند نگرانی‌ها را در خصوص این‌که رژیم فعلی مقابله با تروریسم هسته‌ای فاقد استانداردهای دقیق برای حفاظت فیزیکی از مواد رادیواکتیو و تأسیسات هسته‌ای یا سازوکارهای بهبود اقدامات حفاظت فیزیکی درون دولت‌هاست، از بین نمی‌برند (کوشا و نامیان، ۱۳۸۷: ۲۰۹-۲۰۸).
- از سال ۲۰۰۱ سلسله اقداماتی به‌منظور مقابله با تهدیدات تروریسم هسته‌ای آغاز شد. مشارکت جهانی علیه اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، ابتکار کاهش تهدیدات جهانی، قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص جلوگیری از تکثیر و اشاعه

تسلیحات کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب و طرح «ابتکار امنیت گسترش»^۱ با این فرض بنیان نهاده شدند که ضمن رفع معضل اشاعه، مسئله حاد برخی کشورهای مظنون (به‌زعم غرب) نیز حل شود. این طرح‌ها در صدد ارائه راه‌هایی هستند که به‌صورت مستمر بر مبادلات مواد حساس هسته‌ای و مواد با کاربری دوگانه نظارت داشته باشند. معذالک در این راستا اولین نشست ابتکار جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای با حضور دوازده کشور (هشت کشور صنعتی به همراه استرالیا، چین، قزاقستان و ترکیه) و دو ناظر (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مراکش به عنوان میزبان نشست) در رباط برگزار شد. این ابتکار که اولین بار توسط پوتین و بوش در جریان اجلاس سران هشت کشور صنعتی جهان در سن پترزبورگ مطرح شد در صدد است تا با افزایش همکاری میان اعضا، گام‌های اجرایی موثری را در جهت مقابله با تهدیدات جهانی ناشی از تروریسم هسته‌ای بردارد.

تلاش‌های صورت گرفته راجع به جرم‌انگاری بین‌المللی شامل شیوه‌هایی نبود که امکان پوشش در عرصه عدم گسترش و حفاظت فیزیکی را داشته باشند (Nielsen, 2008: 109). به علاوه این تلاش‌ها به این عرصه محدود بوده‌اند در حالی که عرصه‌های دیگر حقوق هسته‌ای می‌توانند از حمایت قانونگذاری کیفری برخوردار شوند. در رابطه با نوع اول گستردگی موازین کیفری حقوق هسته‌ای در نظام بین‌المللی فوق‌الذکر یک مصداق مطلوب مسأله‌ای که برای ایجاد یک واکنش به رویکرد بین‌المللی نیاز دارد و به‌طور قابل بحث ارزش جرم‌انگاری را دارد. شیوه ارائه اطلاعات به مخاطبین بدون تبعیض است که به ساخت وسایل هسته‌ای یا رادیواکتیو مربوط می‌شوند (Sousa Ferro, 2008: 128).

۱. طرح ابتکار امنیت گسترش (Proliferation Security Initiative)، پس از اظهارات رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد در ژانویه سال ۱۹۹۲ مبنی بر تهدیدات سلاح‌های هسته‌ای علیه صلح و امنیت بین‌المللی، در اجلاس سال ۲۰۰۳ سران هشت کشور صنعتی به پیشنهاد ایالات متحده آمریکا مطرح گردید. این طرح تلاشی است برای استقرار یک راهکار جامع اجرایی که هدف آن، محدود نمودن قاچاق سلاح‌های کشتار جمعی و مواد مرتبط با آن در هوا، زمین و دریا می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۴).

در مورد نوع دوم گستردگی فوق‌الذکر، به عنوان نمونه می‌توان تنظیم قواعد کیفری کاربردی برای افرادی را مجسم کرد که به طور آگاهانه یا از روی مسامحه نسنجیده از قواعد ایمنی تخطی می‌کنند که برای تأسیسات هسته‌ای یا حمل و نقل ماده هسته‌ای یا رادیواکتیو کاربردی هستند و بر این اساس موجب کشته شدن دیگران یا صدمه زدن به سلامت و اموال دیگران یا به محیط زیست می‌شوند. کاملاً مشخص است که یک سانحه عظیم در یک نیروگاه هسته‌ای به احتمال قوی دارای اثرات برون مرزی است که اقدام به تضمین ایمنی این تأسیسات به هر روش متناسب موجود برای حقوق بین‌الملل منطقی به نظر آید (Ibid, 130-131).

مطابق مفاد کنوانسیون‌های پاریس و وین در خصوص مسئولیت هسته‌ای، بیمه تأسیسات هسته‌ای اجباری شده است، اما هیچ یک الزام به پشتیبانی از این حکم از سوی مجازات کیفری برای مدیران یک اپراتور که در عقد قرارداد بیمه اجباری قصور می‌ورزد یا اجازه می‌دهد منقضی شود را تحمیل نکرده‌اند. در حال تعمق بر روی این مشخصه باید به یاد داشته باشیم که در بسیاری از کشورها قصور در اخذ بیمه معتبر برای یک وسیله نقلیه مشمول مجازات کیفری می‌شود و همین استدلال برای کنوانسیون‌های پاریس و وین این است که تشخیص داده شده سوانح هسته‌ای به طور محتمل پرداخت خسارت برون مرزی را ایجاب می‌کنند (عنوانی، قبولی درافشان و حسینی‌کیا، ۱۳۹۸: ۳۷۴).

حتی در چارچوب راهبردهایی که تا به حال کانون توجه موازین کیفری حقوق هسته‌ای بوده‌اند به نظر می‌رسد قواعد موجود بدون یک تصویر یکپارچه از دغدغه‌های اصلی و طرز بررسی دقیق آنها ترسیم شده باشند. البته علت اصلی این است که دو معاهده و قطعنامه شورای امنیت که در مبدأ این قواعد جا دارند از زوایایی مختلف و بدون نیاز به فراگیر بودن به مشکلات یکسانی پرداخته‌اند. قانونگذار بین‌المللی و همین‌طور قانونگذار داخلی باید گزارش‌های خاصی را به عمل آورد و این گزینه‌ها نسبتاً محدود هستند ولو اینکه برخی اوقات گیج‌کننده بوده‌اند. با این حال، تنظیم یک پیش‌نویس ابتدایی از موازین کیفری حقوق هسته‌ای جامع برای عرصه‌هایی که هم‌اکنون تحت شمول حقوق بین‌الملل قرار

دارند امکان پذیر می شود. یک چنین نظام جامعی که در واقع جامع تر از نظام مرکب کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای و قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) شورای امنیت است می‌تواند به شرح زیر جلوه کند:

۱. هر دولت عضو به موجب حقوق ملی جرائم زیر را مشمول مجازات کیفی خواهد کرد:
 - الف) دسترسی عمدی غیر مجاز به وسیله حمل یا تحویل وسایل هسته‌ای یا رادیواکتیو یا به اجزاء سازنده و ابزارهای ساخت وسایل هسته‌ای یا رادیواکتیو، دسترسی یعنی هر یک از رفتارهای زیر که با چنین وسیله‌ای، اجزاء سازنده یا ابزارهایی در ارتباط باشد: دریافت، تصاحب، انتقال، تغییر، ساخت، توسعه، حمل، سرقت، اختلاس، جعل، تقاضا با اعمال زور، تهدید یا ارباب، و تسهیل دسترسی برای دیگران.
 - ب) دسترسی عمدی غیر مجاز به ماده هسته‌ای یا رادیواکتیو، دسترسی یعنی هر یک از رفتارهای زیر که با چنین ماده‌ای ارتباط داشته باشد: دریافت، تصاحب، انتقال، تغییر، استخراج، حمل و نقل، سرقت، اختلاس، جعل، تقاضا با اعمال زور، تهدید یا ارباب و تسهیل دسترسی برای دیگران.
 - ج) دسترسی عمدی غیرمجاز به وسایل هسته‌ای یا رادیواکتیو، دسترسی یعنی هر یک از رفتارهای زیر که با چنین وسایلی مرتبط باشد: دریافت، تصاحب، انتقال، تغییر، ساخت، توسعه، حمل و نقل، سرقت، اختلاس، جعل، تقاضا با اعمال زور، تهدید یا ارباب و تسهیل دسترسی برای دیگران.
 - د) مداخله عمدی یا غیرعمدی در تأسیسات هسته‌ای یا ایراد خسارت به آن، در جایی که محتمل باشد موجب مرگ یا صدمه جسمی شدید به شخص دیگر یا منجر به خسارت شدید به اموال شخص ثالث یا به محیط زیست شود.

ه) استفاده، انتشار یا دفع عمدی یا غیرعمدی ماده هسته ای یا رادیواکتیو، زمانی که به طور محتمل باعث مرگ یا صدمه جسمی شدید به شخص دیگر یا موجبات ورود خسارت شدید به اموال شخص ثالث یا به محیط زیست گردد.

و) استفاده یا منفجر کردن عمدی یا غیرعمدی وسایل هسته ای یا رادیواکتیو، زمانی که به طور محتمل موجب مرگ یا صدمه جسمی شدید به شخص دیگر یا منجر به خسارت شدید به اموال شخص دیگر یا به محیط زیست شود.

۲. هر دولت عضو مشارکت یا معاونت عمدی، سازماندهی یا هدایت دیگران، تحریک، تأمین مالی یا اقدام به اجرای هر یک از جرائم توصیف شده در شماره قبل را به موجب حقوق ملی مشمول مجازات کیفری خواهد کرد، همین در مورد تهدید باورپذیر به اجرای هر یک از جرائم توصیف شده در قسمت «د»، «ه» و «و» شماره قبل کاربرد است.

۳. هر دولت عضو تضمین خواهد کرد که جرائم نامبرده در شماره های قبل با مجازات متناسب با در نظر گرفتن ماهیت خطیرشان، مجازات خواهند شد، و این جرائم تحت هیچ شرایطی به موجب ملاحظات ماهیت سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی یا هر ماهیت مشابه دیگر قابل توجیه شدن نمی باشند.

۴. هر کشور عضو مجازات های کیفری شدیدتری را برای موارد زیر پیش بینی خواهد کرد:
الف) جرائم مقرر در بند نخست، هنگامی که با انگیزه تسبیب مرگ یا صدمه جسمی شدید به شخص دیگر، تسبیب خسارت زدن اساسی به اموال شخص دیگر یا به محیط زیست یا واداشتن یک شخص حقوقی یا حقیقی، یک سازمان بین المللی یا یک کشور به انجام کاری با طفره رفتن از انجام کاری توأم باشد.

ب) جرائم مقرر در بند نخست هنگامی که توسط شخص مسئول پیشگیری از تأیید نتیجه مورد نظر یا بهره مندی از دسترسی متاز به تأسیسات، مواد، وسایل، وسیله حمل و نقل، اجزاء سازنده یا ابزارهای مورد نظر به اجرا درآیند.

ج) جرائم مقرر در شماره ۱ «د»، ۱ «ه» و ۱ «و» هنگامی که به طور کاری و مؤثر به مرگ یا صدمه جسمی شدید شخص دیگر یا به خسارت اساسی به اموال شخص دیگر یا به محیط زیست منجر شوند.

در صورتی که تروریسم و گسترش سلاح های هسته ای (به هر دو بازیگران دولتی و غیردولتی) تهدیدی برای صلح جهانی محسوب شود و تعهدات جرم‌انگاری شیوه های خاص بر کشورهای عضو یک روش مشروع و موجود برای شورای امنیت سازمان ملل متحد تحمیل شود تا به چنین تهدیدی واکنش نشان دهد، آنطور که قطعنامه هایی که پیشتر پذیرفته شده اند اثبات کرده اند، جای هیچ کمکی باقی نمی ماند، مگر این سوال مطرح شود «آیا چارچوب قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) از آنچه می توانست باشد مبهم تر نبوده است؟» اما این قطعنامه در صورتی که تحت پوشش حقوق بین‌الملل کیفری هسته ای قرار داشته و تحت بررسی قرار گیرد، نقایص اصلی آن به شرح زیر قابل ملاحظه است-Black (Branch, 2017: 208).

الف- این قطعنامه الزام به پیش‌نگری مجازات های کیفری را اکیداً تحمیل نکرده و هیچ ملاک اضافی را برای متمایزسازی مجازات ها ارائه نکرده است.

ب- دسترسی به ماده هسته ای و رادیواکتیو را شامل نمی شود.

ج- بمب کثیف را شامل نمی شود.

د- دسترسی به اجزاء سازنده و ابزارهای ساخت وسایل هسته ای یا رادیواکتیو را شامل نمی شود.

ه- مداخله در تأسیسات هسته ای یا خسارت زدن به آن را شامل نمی شود.

ر- تهدید به اجرای شیوه های پیش بینی شده را شامل نمی شود.

به استثنای این سؤال سیاسی که «آیا به طور قطع ممکن است شورای امنیت یک نظام اصلاح شده را به کار ببندد؟» یک سؤال حقوقی بسیار مهم که باید جواب بگیرد این است که «آیا، حتی اگر تفسیر (مجدد) آن از فصل هفتم منشور ملل متحد را بپذیریم، این سازمان اختیارات لازم برای پیشرفت فراسوی آنچه تا به حال پیش رفته است را دارد.»

دیدگاه حاکم این که اصل حاکمیت ملی در امور کیفری هنوز از قوت قانونی فراوان برخوردار است و اختیاراتی نظیر اختیارات واگذار شده به شورای امنیت باید در چارچوب مستثنیات محسوب شوند و در نتیجه به طریقی بازدارنده تفسیر شوند. از این جهت ساده تر نتیجه گیری می کنیم که فراتر رفتن از آنچه پیش از این در قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) مقرر شده در چارچوب اختیارات شورای امنیت نیست. اگر استثنای اصل حاکمیت ملی به واسطه اختیارات شورای امنیت برای پیشگیری از تهدید صلح جهانی و واکنش به آن توجیه شود آنگاه چارچوب این اختیارات باید اقتضا و تناسب معیارهای دستیابی به این هدف باشد. هم چنین جامعه بین الملل بدون هیچ مخالفتی قانونی بودن دومین بند اجرایی قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) را پذیرفته که می تواند به احراز تکامل حقوق بین الملل عرفی کمک کند.

این قطعنامه به طور صریح اشاره ای به الزام تحمیل مجازات های کیفری نداشته است، اما تصریح نموده که قواعد بازدارنده رفتارهای پیش بینی شده در آن باید متناسب و مؤثر باشند. چنانچه پیشتر اظهار گردید هر چند عبارات شفاف تر به طور یقین مزیت هایی دارد مانند عباراتی که هم اکنون به طور عملی الزام به پیش بینی مجازات های کیفری را در پرتو اصول و قواعد حسن قصد در ادای تعهدات بین المللی ایجاد می کند اما شدت عمل در شیوه های مورد نظر و تناسب با پیشگیری حقوق ملی از شیوه هایی که تهدیدی برای حیات و جامعه هستند یا به چنین تهدیدی منجر می شوند، لحاظ شده است.

به علاوه راجع به سایر نقایصی که در مراتب فوق مشخص شده اند ظاهراً هیچ دلیلی وجود ندارد که اینها نتوانند از جهاتی شبیه به موردی که قبلاً وجود داشته، موضوع یک قطعنامه شورای امنیت باشند. یک بمب کشیف (نه تنها در لحظه استفاده بلکه از طریق تشعشع دیرپای بعدی) می تواند ظرفیت تخریبی بی نهایت زیادی داشته باشد که یقیناً از ظرفیت تخریب بسیاری از سلاح های شیمیایی کمتر نیست. عواقب بالقوه مداخله عمدی در یک تأسیسات هسته ای (یا نیروگاه هسته ای) را هم نباید کمتر از عواقب سلاح های نامبرده در قطعنامه دانست.

مادامی که جامعه بین المللی اقتضا و تناسب معیارهای مندرج در قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) را برای نیل به هدف حفظ صلح جهانی پذیرفته، تنها منطقی (در واقع، ضروری) است که همان پذیرش را به شیوه های دیگر با پتانسیل تخریبی معادل تعمیم دهیم. همچنین یک اصل حقوق کیفری که به طور عمومی مورد پذیرش واقع شده این است که دسترسی غیرقانونی به مواد، اجزاء سازنده یا ابزارها که نمی توانند جرم محسوب شوند، بلکه هدف یا قصد اجرای آن به شمار می روند فی نفسه به لحاظ کیفری قابل مجازات است. در ضمن حقوق کیفری شامل شیوه هایی است که به طور غیر عمد خطری بسیار جدی را، مثلاً برای جان یا سلامت دیگران به وجود می آورند.

با این وجود در حالی که پذیرش قطعنامه بر پایه فصل هفتم منشور ملل متحد از سوی شورای امنیت با یک نظام گسترده و بهینه حقوق بین الملل کیفری هسته ای چنین نظامی را برای کلیه دولتها لازم الاجرا می کند و امکان انصراف هر دولت از پیش بینی معاهداتی این تعهدات جرم انگاری را از بین می برد مشکل اصلی اجرای این نظام هست و خواهد بود. با تمرکز محض بر روی اجرای حقوق کیفری (به جای تمرکز بر مشکلات اجرای حقوق بین الملل به طور اعم)، راهکارهای نظری خاص می توانند موانع اجرایی نظیر صلاحیت قضایی جهانی دادگاه های ملی یا انتساب صلاحیت قضایی به دیوان کیفری بین المللی (See: Colangelo and Hayes, 2019: 227-231 را از میان بردارند) (فروغی، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۳۲).

یکی از شاخص های با ارزش در قطعنامه ۱۵۴۰، تصویب آن بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد است. بنابراین با توجه به تمرکز فصل مزبور به «اقدام علیه موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اقدام به تجاوز»، قدر مسلم اینکه شورای امنیت گسترش سلاح های کشتار جمعی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی نموده است (ساعد، ۱۳۸۸: ۵۶). در هر حال، تعهدات ناشی از این قطعنامه شامل موارد ذیل می باشند:

الف- عدم حمایت از فعالیت بازیگران غیردولتی در زمینه توسعه، تحصیل، ساخت، تصرف، حمل و نقل، انتقال یا استفاده از سلاح های هسته ای و سیستم های پرتاب (بند نخست)؛

ب- تصویب و اجرای قواعد حقوقی برای ممنوعیت ارتکاب هرگونه فعالیت (اعم از توسعه، تحصیل، ساخت، تصرف، حمل و نقل، انتقال یا استفاده از سلاح های هسته ای و سیستم های پرتاب و مشارکت در هر یک از اعمال مذکور به عنوان مباشر، معاون یا حمایت کننده مالی) توسط بازیگران غیردولتی (بند دوم)؛ لازم به ذکر است که این تعهد از «اجرای ملی» معاهدات راجع به سلاح های هسته ای فراتر می رود.

ج- ایجاد سیستم کنترل ملی در خصوص فعالیت های مرتبط با سلاح های هسته ای و ابزار پرتاب آن مطابق با مقررات داخلی و حقوق بین الملل برای کشف، پیشگیری و مبارزه با ارتکاب (بند سوم)؛

د- ارائه گزارش به کمیته ۱۵۴۰ شورای امنیت (بند چهارم).

قطعنامه ۱۸۱۰ ضمن تأکید بر تصمیمات مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ و ارائه گزارش های ملی از سوی دولتهای عضو به کمیته ۱۵۴۰، مجدداً کلیه دولتها را به ارائه چنین گزارش هایی ترغیب و تشویق نموده است. قطعنامه ۱۸۸۷ گسترش سلاح های کشتار جمعی و ادوات حمل آن، را به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی تلقی می کند. به علاوه قطعنامه کماکان اساس سازوکار عدم گسترش سلاح های هسته ای و نیل به سوی خلع سلاح هسته ای و استفاده صلح آمیز از این انرژی به شمار می رود. افزون بر این، قطعنامه ۱۸۸۷ شورای امنیت از موارد زیر حمایت می کند:

الف- تعهد به همکاری برای جهانی بدون سلاح هسته ای و پیشرفت بیشتر در کاهش سلاح های هسته ای؛

ب- معاهده تقویت شده عدم گسترش سلاح های هسته ای و تشکیل کنفرانس بازنگری معاهده در سال ۲۰۱۰ برای تعیین اهداف واقعی خلع سلاح؛

ج- عدم گسترش سلاح هسته ای و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای؛

د- امنیت بیشتر برای مواد سلاح های هسته ای به منظور ممانعت از دستیابی گروه های تروریستی به تجهیزات ساخت بمب؛

- ه- تفویض اختیار به شورای امنیت برای اقدام مناسب در صورت دسترسی گروه‌های تروریستی به مواد هسته‌ای؛
- ر- تشویق کوشش‌ها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای که در ضمن خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نیز کاهش دهد؛
- ز- انسداد و ممانعت از دسترسی به نظام مالی بین‌المللی کشورهایی که سلاح‌های هسته‌ای و مواد ساخت بمب را گسترش می‌کنند.
- ژ- موافقتنامه‌های اصلی هسته‌ای شامل معاهده کاهش و محدود کردن سلاح‌های راهبردی، معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای.
- شورای امنیت در قطعنامه ۱۹۷۷ از کلیه دولت‌ها دعوت می‌کند تا به‌گونه‌ای اضطراری به‌منظور پیشگیری از اقدامات تروریسم هسته‌ای و سرکوب این‌گونه اقدامات از طریق همکاری مضاعف و اجرای کامل کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با تقویت چارچوب حقوق موجود با هدف تضمین این مهم که مرتکبان جرایم تروریسم هسته‌ای به‌طور نافذ مسئولیت اقدامات ارتكابی را دارند، ضمن تشریح مساعی با یکدیگر همکاری کنند. بنابر سطور مقرر، شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد مراتب ذیل را مورد اجرا گذاشت:
- الف- ضمن تأکید بر سیاست‌ها و شروط الزامی مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰، بر اهمیت اجرای آن برای کلیه دولت‌ها اذعان نمود.
- ب- حکم کمیته ۱۵۴۰ به مدت ۱۰ سال تا بیست و پنجم آوریل ۲۰۲۱ تمدید کرد.
- ج- مقرر نمود کمیته ۱۵۴۰ بازنگری جامعی را نسبت به وضعیت اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ پس از پنج سال و پیش از حکم تمدید صورت دهد و گزارشی را پیرامون نتایج حاصل به شورای امنیت ارائه کند.
- د- مقرر نمود کمیته ۱۵۴۰ باید پیش از اتمام هر ماه، یک برنامه‌کاری سالانه را به شورا تقدیم کند.

ه- در راستای ارائه نقطه‌نظرهای کارشناسی به کمیته ۱۵۴۰، از دبیر کل درخواست شد طی مشورت با کمیته ۱۵۴۰ کمیته‌ای هشت‌نفره از کارشناسان جهت هدایت و نظارت کمیته ۱۵۴۰، ایجاد شود. این کمیته متشکل از کارشناسان باتجربه و متخصص بوده که در اجرای حکم کمیته بر اساس قطعنامه ۱۵۴۰، ۱۶۷۳، ۱۸۱۰ و این قطعنامه از طریق تسهیل همکاری در بهبود اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ به کمیته کمک می‌نماید. در این راستا از کمیته ۱۵۴۰ درخواست شد تا توصیه‌های راجع به کمیته و کمیته کارشناسان پیرامون الزامات کارشناسی، نمایندگی جغرافیایی گسترده، روش کار، برنامه‌ها و ساختار را لحاظ و بررسی نماید.

ر- از سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دعوت شد تا مسیر ارتباطی جهت اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ را به کمیته ۱۵۴۰ معرفی و ابلاغ نمایند و آنها را ترغیب می‌نمایند تا ضمن افزایش گستره همکاری با کمیته، اطلاعات بیشتری را پیرامون مساعدت فنی و دیگر امور مرتبط با اجرای قطعنامه در اختیار کمیته ۱۵۴۰ قرار دهند.

به‌علاوه شورای اعتقاد دارد که برای اجرای صحیح و اصولی مفاد مقرر در این قطعنامه‌های ۲۲۲۴ و ۲۳۲۵ باید کلیه معیارهای مؤثر در قطعنامه ۱۵۴۰ با رعایت موازینی همچون، «ارائه گزارش اقدامات صورت‌پذیرفته از سوی کمیته ۱۵۴۰ به شورا در پایان هرماه»، «ارائه اولین گزارش کاری دولت‌ها»، «تشویق دولت‌های عضو به اجرای داوطلبانه این طرح ملی با همکاری با کمیته ۱۵۴۰» و «تقویت و استمرار همکاری میان کمیته ۱۵۴۰، کمیته ۱۲۶۷، ۱۹۸۹ و ۲۲۵۳ راجع به گروه داعش، القاعده مطابق قطعنامه ۱۳۷۳ پیرامون مواجهه با جرایم تروریستی با تشریک مساعی اطلاعات، بازدید از دولت‌ها در چارچوب موازین فنی» اجرا شوند.

نتیجه‌گیری

به دلیل چالش‌ها و معضلات راجع به تشریک مساعی کیفری بین‌المللی میان دولت‌ها، به‌طور معمول روند گذار از یک سیاست کیفری بین‌المللی به یک سیاست جنایی بین‌المللی با کمتر سرعت خود مواجه بوده است. کیفرگرایی محض به تأسی از نظام کیفری دولت‌ها به‌عنوان سیاست کیفری کُنشی و بین‌المللی این امکان را برای پیشگیری از ارتکاب تروریسم بین‌المللی فراهم می‌کند. از اینرو، مقررات و قواعد حقوقی داخلی ضمن اتخاذ سیاست‌های جنایی و با بهره‌گیری از رویه‌های قضایی بین‌المللی به‌مثابه یک سیاست جنایی بین‌المللی واحد توان مقابله با فجایع و حوادث دهشتناک را خواهند داشت.

در این بین تردیدی نیست که با توجه به نظام حاکم در موازین کیفری حقوق هسته‌ای، دولت‌ها باید بستری مؤثر در تعقیب اقدامات تروریستی بین‌المللی فراهم نماید که این امر با وجود سازمان ملل متحد به‌عنوان مهمترین و بزرگترین سازمان در گستره جامعه جهانی از حیث سیاسی و حقوقی قابل پیگیری و اثرگذاری است. سازمان ملل متحد با ایجاد هم‌گرایی میان دولت‌های عضو در اتخاذ سیاست جنایی واحد در چارچوب نظام بین‌المللی و ملی، این امکان را به سهولت در مواجهه با تروریسم بین‌المللی فراهم خواهد آورد.

اقدامات ملل متحد در این مسیر اگرچه می‌تواند راهی در براندازی این ناهنجاری بین‌المللی قلمداد شود، اما ضرورتی انکارناپذیر در تحقق شرایط اثرگذاری مؤثر در قبال تروریسم احساس می‌شود. لزوم رعایت بی‌طرفی در تعیین معیارهای مقابله با این گونه اقدامات از سوی سازمان‌های بین‌المللی (هم‌چون سازمان ملل متحد) و دولت‌های عضو و پرهیز از کاربرد معارهای دوگانه این امکان را در مقابله مؤثر با ابعاد و ظواهر این گونه اقدامات فراهم خواهد آورد. ضمن اینکه وجود سیاست و راهبردی مطلوب و قاطع در اتخاذ معیارهایی واحد به‌مثابه مبنایی در مواجهه با این ناهنجاری‌ها، ضرورتی انکارناپذیر است.

در جهان کنونی با توجه به گسترش فزاینده فناوری در علوم و اطلاعات، انسان با جامعه‌ای جهانی شده مواجه است که قابلیت دسترسی به فناوری‌های نوین را سهل می‌کند.

از جمله این فناوری‌های نوین دستیابی به فناوری هسته‌ای است که علاوه بر مزایای گوناگون اقتصادی، علمی، زیست محیطی، پزشکی و غیره، در حال حاضر شرایط نظام بین‌المللی به گونه‌ای است که برای حفظ و ارتقای موقعیت خود استفاده از علوم راهبردی مانند فناوری هسته‌ای، اجتناب ناپذیر است. تروریسم هسته‌ای جدیدترین و خطرناک‌ترین شکل اقدامات تروریستی بوده و به رغم آنکه هنوز سایه شوم آن بر پیکره جامعه انسانی و همچنین دولت‌ها سنگینی نمی‌کند، اما احتمال وقوع آن موجب نگرانی جامعه جهانی شده است. به عبارت دیگر، تروریسم هسته‌ای، با توجه به احتمال ارتکاب آن، موجبات نگرانی فزاینده جامعه جهانی را فراهم نموده است. چنانکه اسناد صادره از سوی سازمان ملل متحد و نهادهای ذیربط، مؤید نگرانی شدید جامعه جهانی از گسترش اقدامات تروریستی و دستیابی بازیگران غیردولتی به سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند.

به طور کلی افزایش نگرانی پس از جنگ سرد در مورد رفتار جنایی دهشتناک و به ویژه رفتاری که از سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک استفاده می‌کند موجب گردید تا مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۲۱۰/۵۱ در دسامبر ۱۹۹۶ برای سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای کمیته خاص را ایجاد نماید. از اینرو، در کنار کلیه اسناد و معاهدات بین‌المللی مقابله با تروریسم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در راستای رسالت خود «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای» را در سال ۲۰۰۵ به تصویب رساند. از اینرو، رویکرد جامع این کنوانسیون درصدد است با توسعه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با تروریسم هسته‌ای، چارچوبی جهت اعمال راهبردهای ملی و منطقه‌ای دولت‌ها باشد.

کنترل سلاح‌های هسته‌ای و عدم گسترش مواد و فناوری‌های هسته‌ای در محدودیت استعمال و بکارگیری اهمیت فزاینده‌ای دارند. کنترل مؤثر محدودیت استعمال مستلزم آن است که دولت‌ها برای حفاظت از سلاح‌های هسته‌ای، مواد شکافت‌پذیر قابل کاربرد در آن سلاح‌ها، دیگر مواد رادیواکتیو و تأسیسات هسته‌ای سازوکارهای کارآمد و مؤثری را اتخاذ نمایند. این تدابیر شامل فن‌آوری، مداخله انسانی، متدها و روش‌ها، بررسی منظم و روز آمد

کردن این تدابیر و تجهیزات است. بر این اساس راهبردها و سازوکارهای اجرایی ذیل امکان کسب و استعمال این‌گونه مواد و سلاح را می‌تواند در کمترین حد خود قرار دهد که به شرح ذیل است:

الف- اتخاذ راهبردهای بازدارنده شامل ایجاد چالش‌های اجرایی (هم‌چون مسائل اخلاقی، ترس از تلافی و مقابله به مثل شدید) و امکانات بالقوه لازم برای توسل به مواد و یا سلاح هسته‌ای؛

ب- بهبود حفاظت فیزیکی تأسیسات هسته‌ای و زرادخانه‌های مواد و سلاح‌های هسته‌ای، برای غیر ممکن ساختن یا دشواری دسترسی تروریست‌ها به این مواد، تجهیزات یا سلاح‌های هسته‌ای؛

ج- آگاهی بخشی به عموم مردم درباره آثار و عواقب یک انفجار هسته‌ای؛

د- اتخاذ راهبرد رفتاری مطلوب در سطح ملی و بین‌المللی برای کاهش توان گروه‌های تروریستی؛

ه- بازنگری در تعریف منافع کشورها برای تشویق آنها به همکاری و هماهنگی در پیشگیری و مقابله با جرایم مرتبط؛

د- توجه به کنترل مواد رادیواکتیو موجود در جهان به ویژه اورانیوم بسیار غنی شده؛

ر- آمادگی برای وقوع هرگونه حمله هسته‌ای در سطح بین‌المللی.

منابع:

- ساعد، نادر (۱۳۸۸). طرح تحقیقاتی «شناخت و ارزیابی محدودیت‌های نظام بین‌المللی ناظر بر کاربردهای چندمنظوره فناوری‌های مرتبط با سلاح‌های نوین»، گزارش راهبردی، تهران: دفتر مطالعات و امور دفاعی اداره کل مطالعات راهبردی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- عنوانی، عباس؛ قبولی‌درافشان، سیدمحمد و حسینی‌کیا، سیدمحسن (۱۳۹۸). «بررسی استثنائات مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در فرآیند حمل‌ونقل مواد هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *مطالعات حقوق انرژی*، شماره ۲.
- عسگرخانی، ابومحمد و پیمان‌نماین (۱۳۹۲). «ابتکار جهانی امریکا و روسیه در پیشگیری از تروریسم هسته‌ای»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۱۶.
- فروغی، فضل‌اله (۱۳۸۹). «موانع و محدودیت‌های تعقیب داخلی جرایم بین‌المللی»، *مطالعات حقوقی*، شماره ۲.
- غنی‌کله‌لو، کیوان (۱۳۸۸). تروریسم هسته‌ای، تهران: نشر خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- کارلتون، استوبیر و همکاران (۱۳۸۸). *حقوق هسته‌ای*، ترجمه اصلی عباسی، تهران: نشر مجد، چاپ اول.
- مشکات، سیدمصطفی و عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۸). «اخذی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل با تمرکز بر کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای ۲۰۱۷»، *سیاست خارجی*، شماره ۳.
- نژندی‌منش، هیبت‌اله و بذآر، وحید (۱۳۹۷). «امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به استفاده از سلاح هسته‌ای»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۹.
- نامیان، پیمان (۱۳۹۸). *تروریسم هسته‌ای؛ نگاهی به آینده حقوق بین‌الملل کیفری هسته‌ای*، تهران: نشر مجد، چاپ اول.
- هاشمی، سیدحمید (۱۳۸۵). *پرونده هسته‌ای ایران؛ سیر تاریخی و نظریه‌ها*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، تهران، چاپ اول.
- یوسفی، سیده‌فرزانه و محسنی، سعید (۱۳۹۶). «مسئولیت مدنی ناشی از حمل‌ونقل مواد هسته‌ای در حقوق ایران و مقررات بین‌الملل»، *علوم و فنون هسته‌ای*، دوره ۳۸.
- Anderson, Kenneth, "The Rise of International Criminal Law: Intended and Unintended Consequences", *EJIL*, Vol. 20, No. 2, 2009.

- Bernstein, Paul, "International Partnerships to Combat Weapons of Mass Destruction," Occasional Paper, Center for the Study of Weapons of Mass Destruction, National Defense University Press, May, 2008.
- Beres, Louis René, Terrorism and Global Security: Nuclear Threat, Series, Westview Special Studies in National and International Terro, Westview Press; 2nd Edition (June 29, 1987).
- Bersagel, Annie Golden, "Use of nuclear weapons as an international crime and the Rome Statute of the International Criminal Court", in: Nuclear Weapons under International Law, Edited by Gro Nystuen, Stuart Casey-Maslen, Annie Golden Bersagel, Cambridge University Press, 2014.
- Bowen, W.Q., "Indicators and Warnings: A Framework for Assessing the Threat", in: International Conference on Illicit Nuclear Trafficking: Collective Experience and the Way Forward(2007: Edinburgh, Scotland), Printed by the IAEA in Austria, 2008.
- Black-Branch, Jonathan, "Nuclear Terrorism by States and Non-State Actors: Global Responses to Threats to Military and Human Security in International Law", Journal of Conflict & Security Law, Vol. 22, No. 2.
- Colangel, Anthony J. and Peter Hayes, "An International Tribunal for the Use of Nuclear Weapons", Journal for Peace and Nuclear Disarmament, Volume 2, Issue 1, 2019.
- Nielsen, Jenny, " Interpreting the Withdrawal Clause of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT): Options within the 2010 NPT Review Cycle", International Journal of Nuclear Law, Vol. 2, No. 2, 2008.
- Sousa Ferro, Miguel, "Criminal Nuclear Law: International Obligations and their Implementation in the EU", International Journal of Nuclear Law, 2008, Vol. 2, No. 2.
- Stoiber, C., Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna (2003) at Chapter 14-Physical Protection, 2009.

